

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره اول-بهار ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۷

مفاهیم و درونمایه‌های زنانه در شعر پروین اعتصامی

(جستاری در ردّ اتهامات علیه شاعری پروین)

(ص ۳۲۶-۳۰۹)

الیاس نورایی (نویسندهٔ مسئول)^۱، اسماعیل حسن‌زاده^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۳۱

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

چکیده

پروین اعتصامی، یکی از برجسته‌ترین شاعران و شاخص‌ترین شاعر زن در عرصهٔ ادب پارسی است که توانست با اراده و پشتکاری تحسین‌برانگیز در زمانهٔ خود و با وجود انتقادهای و اتهامات بسیار، نام خود را در تاریخ شعر معاصر ایران با مثنویها و قصایدش ماندگار سازد. اگرچه به اقتضای زمانه، آنچه در شعر پروین منعکس میشود، انسانیت است و نه جنسیت و برخلاف شاعری مانند فروغ فرخزاد، او جنسیت زنانگی را نشان نمیدهد، اما بسیاری از اشعار پروین به نوعی دارای مفاهیم و درون‌مایه‌های زنانه هستند که بررسی و شناخت آنها میتواند حقیقت شاعری او را به نوعی اثبات کند؛ چراکه بسیاری از منقدان درصدد برآمدند که حقیقت شاعری پروین را انکار کرده یا آن را خدشه‌دار سازند؛ عده‌ای سرایندهٔ اشعار را نه تنها پروین بلکه اصلاً، زن ندانسته‌اند و اشعار را به کسانی همچون رونق کرمانی، اعتصام‌الملک، پدر پروین، حیاتی و دهخدا نسبت داده‌اند.

در این مقاله با مطالعهٔ دقیق و بررسی اشعار پروین نشان خواهیم داد که روح زنانه در شعر این شاعر، بویژه در مثنویهایش موج میزند و پروین در حقیقت این توانمندی را داشته که بتواند روح زنانهٔ خود را در شعرش منعکس کند. پروین اعتصامی، مفاهیم زنانه را با ظرافت و شگردهای شاعرانه در اشعار خود بکار برده است و اصطلاحات مرتبط با زنان، همچون اصطلاحات حیاطی، آشپزی، بافندگی، زیورآلات، لباسهای زنانه و... در شکلگیری عناصر تخیل این شاعر، جلوه‌ای خاص دارند و در مقایسه با دیگر شاعران، خلاقیت شعری و اندیشهٔ والای او را در حوزهٔ ادب فارسی نمایان میکند.

کلمات کلیدی: پروین اعتصامی، شعر معاصر ایران، مفاهیم زنانه

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه nooraeilyas@yahoo.Com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

مقدمه

بدون شک در تاریخ درخشان ادبیات ایران زمین، پروین اعتصامی یکی از برجسته‌ترین شاعران و شاخص‌ترین شاعر زن در این عرصه است که همچون نامش در آسمان ادب فارسی میدرخشد و جانهای تاریک را روشنی میبخشد.

شاید به جرأت بتوان گفت که تاکنون در ادبیات فارسی هیچ شاعری به اندازه پروین اعتصامی کانون جلب توجه دیگران قرار نگرفته است و هیچ شاعری به اندازه او با اقبال عمومی روبه‌رو نگشته است. «دیوانش بیش از ۲۰ بار تجدید چاپ شده و بیش از سیصد هزار نسخه از اشعار او در دست است. بیش از ۲۱ کتاب و ۲۳۳ مقاله درباره او به چاپ رسیده است و این پذیرش در ادبیات فارسی بی‌سابقه است» (کراچی، ۱۳۸۳: ۳۳). بسیاری از این کتابها و مقالات در تأیید او و تعدادی در تکذیب او هستند. ادعاهای بسیاری بیان شده و پاسخهایی به آنها داده شده است بطوریکه زندگی پروین با اینکه با دوران ما فاصله‌ای بسیار کم دارد، در غباری از پوشیدگی، شکها و تردیدها فرورفته است. از هنگامی که این بانوی بزرگ شعر فارسی نخستین اشعار خود را در روزنامه‌ها و مجلات روزگار خود منتشر کرد تاکنون عده‌ای از افراد، بر اساس عدم شناخت و آگاهی کامل یا بر اساس غرض‌ورزی و کینه‌توزی شخصی و خانوادگی با نوشتن مقاله‌ها، کتابها و نقد و تحلیل‌ها در صدد برآمدند که حقیقت شاعری پروین را انکار کرده یا آن را خدشه‌دار کنند. هر کسی از ظن خود ساز انکار را نواخت. عده‌ای سراینده اشعار را نه تنها پروین بلکه اصلاً، زن ندانستند و اشعار را به رونق کرمانی، اعتصام‌الملک، پدر پروین، حیاتی و دهخدا نسبت دادند. اما اراده محکم و پشتکار ستودنی پروین که در دامان مردی دانشمند به نام یوسف اعتصام‌الملک پرورش یافته و درسها آموخته بود و همچنین حمایت قاطع بزرگان ادب معاصر همچون زنده‌یاد ملک‌الشعراى بهار از ایشان که حاضر شد بر دیوان او دیباچه‌ای به یاد ماندنی بنویسد، موجب شد که این شاعر توانا همچون کوه در برابر این اتهامات مقاومت کند و پاسخ منتقدین خود را با این دو بیت جاودانی دهد.

از غبار فکر باطل، پاک باید داشت دل تا بداند دیو، کاین آئینه جای گرد نیست
مرد پندارند پروین را، چه برخی ز اهل فضل این معما گفته نیکوتر که پروین مرد نیست
یکی از آثاری که در سالهای اخیر صراحتاً سعی در اثبات مرد بودن سراینده اشعار پروین داشته، کتاب «تهمت شاعری» از نویسندگانی به نام فضل‌الله گرگانی است. نویسندگانی که در این کتاب به هر طریق ممکن تلاش میکنند به خواننده خود القا کنند که دیوان پروین اعتصامی از پروین نیست بلکه از زنده‌یاد علامه علی‌اکبر دهخداست.

با آنکه درباره پروین و شعرش، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتابهای بسیاری نوشته شده است اما مقاله حاضر از دریچه‌ای دیگر به پروین و شعرش مینگرد تا قبل از هر چیز، وجود زن شاعری به نام پروین را

به اثبات برساند و بعد از آن، اندیشه پروین را در شعرش نمایان سازد؛ چراکه شعر انعکاسی از دردها و رنج‌های محرومان بویژه زنان بیوه، کودکان یتیم و مردم رنج‌دیده تاریخ سرزمینش است.

در این مقاله، ابتدا ادعا و اتهامات علیه پروین را بیان کرده، به آنها پاسخ خواهیم داد. سپس اشعاری از پروین که می‌تواند جنسیت سراینده‌اش را نشان دهد، بررسی خواهد شد؛ مفاهیم و درونمایه‌هایی همچون آشپزی، خیاطی، دوزندگی و بافندگی، لوازم آرایشی و... که غالباً مربوط به زنان است. همچنین اشعاری که عواطف و احساسات زنانه و مادرانه را بیان میکند آورده شده است که از این طریق می‌توان به جنسیت سراینده شعر پی برد.

انجام این کار که بیشتر از اندیشه صاحب‌نظران استفاده شده و دیدگاه موافقان و مخالفان را بیان میکند، به شناخت پروین و درونمایه‌های شعر او کمک بسیاری میکند. در حقیقت مقام و جایگاه پروین را در میان شاعران دیگر بخوبی نشان می‌دهد و نیز راهگشا و راهنمای علاقمندان به شعر پروین خواهد بود تا بتوانند درک بهتری از شعر او داشته باشند و کسانی که همه اتهامات و ادعاها را می‌شنوند و درخواهند یافت که سراینده دیوان اشعار کسی نیست جز پروین اعتصامی. شاعری که نگاهی متفاوت با نگاه شاعران دیگر حتی زنان شاعر داشته؛ زیرا واقعیتهای تلخ و شیرین جامعه زنان ایران را در کلامش منعکس کرده است.

مدعیات و اتهامات علیه شاعری پروین اعتصامی

بعد از شهریور ۱۳۲۰ هفته‌نامه‌ای به نام «صدای وطن» در تهران پا به جهان مطبوعات گذاشت که در آن سالها مقالاتی در شماره‌های آن به طبع میرسید مبنی بر اینکه اشعار پروین از پروین نیست لکن نمیتوانست ثابت نماید یا حتی ادعا کند که از کیست (حدیث ناگفته، حائری: ص ۱). در آن سالها به خاطر اینکه زنده یاد ملک‌الشعراى بهار بر دیوان پروین آن مقدمه را نوشته بود مورد حمله کسانی قرار گرفت که در یک ورقه جداگانه چاپ شده بر او تاختند که «جنابعالی خود را استاد سبک‌شناسی معرفی میکنید و اشعار بزرگترین شاعر متصوّف ایران را به نام خانم پروین تقریظ مینمایید... استاد سبک‌شناسی... از تشخیص اشعار... با اشعار یک دوشیزه محصله امریکایی عاجز نباشد آیا سزاوار است...» (حدیث ناگفته، حائری: ص ۱-۲).

«ملک‌الشعراى بهار درباره آن مطلب در تاریخ ۱۳۲۲/۸/۲۳ در شماره ۸۵ روزنامه نوبهار ضمن مقاله‌ای با عنوان «سنخ فکر دلان استعمار» مرقوم داشته است که: نگفته است آن شاعر صوفی که دیوان پروین از اوست کیست؟ و در چه عصری... وجود داشته بلکه نقطه‌ای چند گذاشته است...» (حدیث ناگفته، حائری: ص ۲).

اما بد نیست بدانیم که در همان دوران یعنی بعد از شهریور ۱۳۲۰ «عبدالحسین آیتی نویسنده کتاب «الحیل» اظهارنظری نمود که خلاصه آن این است: سه چهارم از دیوان پروین اعتصامی تقریباً استراق سمع از اشعار رونق‌علیشاه (معروف به رونق کرمانی) است که تماماً کلمه رونق از آن برداشته

و کلمهٔ پروین به جایش گذاشته...» (همان). مسعود جوادیان در طی مقاله‌ای به نام معمای پروین نوشت: «در حالی که دیوان رونق موجود است و هرکسی با مراجعه به آن، از عدم صحت این ادعا اطمینان حاصل میکند. در اشعار رونق چنانکه پیداست فضای روحی و ذهنی شاعر با فضای ذهنی و روحی پروین تفاوت دارد. دردهای رونق از نوع دردهای اهل تصوف است و دردهای پروین دردهای اجتماعی و انسانی میباشد» (حدیث ناگفته، حائری: ص ۳۰۰).

در یادنامهٔ پروین نیز دربارهٔ اتهامات علیه وی آمده است: «زمانی میگفتند این اشعار او نیست و متعلق به پدرش اعتصام‌الملک میباشد و زمان دیگری میگفتند از دیوان مفقودهٔ شاعره‌ای به نام «حیاتی» است که در ابتدای دورهٔ قاجار میزیسته است» (یادنامهٔ پروین اعتصامی، دهباشی: ص ۵۱۹). در پاسخ به این ادعا نیز باید گفت که تعدادی از بزرگان عصر، خود از نزدیک پروین را دیده و با آن نشست و برخاست داشته و قطعاً در زمینهٔ شاعری او را آزموده‌اند و چنانکه نقل شد، اشعاری نیز دربارهٔ آن گفته و از سوی دیگر، بسیاری از اشعار خاص دوران پهلوی است مثل «زن در ایران» که نمیتوان آن را به شاعره‌ای به نام «حیاتی» آن هم مربوط به دورهٔ قاجار دانست.

اما چنانکه گفته شد مهمترین ایراد و ادعاهای نویسنده‌ای به نام «فضل‌الله گرگانی» است که مدعیات خود را در کتابی به نام «تهمت شاعری» به چاپ رسانده و اصل شاعری پروین اعتصامی را انکار کرده است. جناب فضل‌الله گرگانی، ادعاهای خود را اینگونه شروع میکند: «برای من قابل اعتقاد نبود که خانمی بتواند بدین انسجام و استحکام شعر بسراید» (تهمت شاعری، گرگانی: ص ۳). ادعاهای و اتهامات این نویسنده در کتاب بی‌شمار است که هرکدام را میتوان با دلیلی متقن رد کرد اما برای نمونه به یکی از این مدعیات اشاره خواهیم کرد.

نویسنده به مسمط «یاد یاران» پروین اشاره دارد که: «سرایندهٔ این شعر باید در محلی مانند غار یا موزه یا شبی مانند یک مرده مومیایی شده یا مجسمهٔ حضرت موسی یا یک شخصیت افسانه‌ای و جز اینها الهامبخش سرودن این مسمط بوده که با توجه به این ادعا میگوید معلوم نیست شاعر آن را در تبریز دیده یا در تهران یا در راه تبریز به تهران چون شاعر مسافرت دیگری نداشته است (تهمت شاعری، گرگانی: صص ۴۳-۳۶). پاسخ به این ادعا بخوبی از جانب دکتر زرین‌کوب مطرح شده است:

«مسمط یاد یاران که خطابی لطیف و عبرت‌آمیز به یک پیکر مومیایی مصر باستانی است مأخوذ از یک قطعهٔ معروف شاعر انگلیسی به نام هوراشیو اسمیت (۱۸۴۰-۱۷۷۹) است که در اصل آن را ظاهراً از ترجمه فرانسوی اعتصام‌الملک در مجلهٔ بهار سال دوم (شماره ۲، رمضان ۱۳۳۹ ق) ترجمه و نشر کرده است اما کسیکه از ترجمه شعر ه. اسمیت در مجله بهار واقف نیست با تعجب زیاد میپرسد که این پیکر مومیایی را پروین در کدام موزه دنیا و طی کدام مسافرت مشاهده کرده است و...» (با کاروان حله، زرین‌کوب: ص ۳۶۷).

درونمایه‌ها و مفاهیم زنانه در شعر پروین اعتصامی

یکی از مسائل و موضوعات بسیار مهم در شعر و نثر عصر مشروطه توجه به زنان و حقوق و جایگاه آنان بود که بطور گسترده مطرح شد و انتظار می‌رود که پروین با توجه به اینکه همزاد مشروطه است، به این نکته توجه خاصی مبذول دارد اما با نگاهی به دیوان او درمی‌یابیم که تنها سه شعر است که بصراحت به موضوع زنان پرداخته؛ هر چند که در سایر اشعار چنانکه خواهیم دید مایه‌های زنانه و احساس و عاطفه مادرانه بسیار است. اشعار «نهال آرزو»، «زن در ایران» و «فرشته انس» تنها شعرهایی است که هر خواننده هر چند در سطح ابتدایی باشد، درمی‌یابد که سراینده آن یک زن است. هر چند با دقت در مناظراتش میتوان فهمید که هر کجا یکی از طرفین جدال «گل» است، تضاد حقوقی زن و مرد را به تمثیل کشیده است. اشعار دیگری مانند «آرزوی مادر»، «رنج و محنت»، «طفل یتیم»، «لطف حق»، «مادر دوراندیش» و صدها موضوع دیگر در اشعار اوست که نقش مادرانه را به تصویر میکشد. پیش از هر چیز براه نیست اگر به نمونه‌هایی از اظهار نظر دیگران در رابطه با این موضوع - یعنی زن در شعر پروین - اشاره کنیم؛ تکمیل همایون در این باره میگوید:

«پروین، آزادی و پیشرفت واقعی زنان را در رهایی تمامی نهادها و گروه‌های اجتماعی ایران از زنجیره‌های اسارت و بردگی زورمندان جامعه میدانست و در تحلیل مسائل اجتماعی دیدی تنگ- نظرانه و زمندارانه نداشت. در بسیاری از سرورده‌های پروین، آنجا که باید مقابل پادشاه و اهل زر و زور ایستاد، نقش اول به عهده زنی است و یا اینکه حرف آخر را بیباکانه یک پیرزن بر زبان میراند و در واقع او زن را در مقابل ظلم قرار میدهد و نه زن را در برابر مرد» (به نقل از: حائری، ۱۳۷۵: ۲۹۴).

دکتر احمدی گیوی نیز مینویسد:

«شعر پروین هم درمان درد درمندان و ناتوانان و ستمکشان و محرومان است و هم پتگ گران بر سر زورگویان و خودکامگان و جهلپروان و زالوان اجتماع. سرورده‌های او آهنگ تپش دل مادر داغدیده‌ای است که فرزندش به گناه بیگناهی و یا به جرم وطن‌پرستی بر سر دار رفته یا در زندان سر به نیست شده است» (به نقل از: در مدرسه پروین اعتصامی، حکیمی: ص ۷۶).

همچنین دکتر فاطمه کویا میگوید:

«یکی از برجسته‌ترین نمونها و جلوه‌های عشق پروین به تمامی مظاهر حیات، عاطفه و عشق اصیل و مادرانه او به همه چیز و همه کس است، تا آنجا که حتی مواجهه او با واژه‌ها و کلمات برخوردی عاطفی و مادرانه است. آنگونه احساس میشود که هر کلمه را پس از چندین بار نوازش مادرانه در بستر حریر وار شعر خویش به لالایی سپرده است.» (همان: ۶۰).

علی‌اکبر ترابی نیز در کتاب «جامعه‌شناسی ادبیات»، در این باره نوشته است:

«کمتر شاعری در ادب فارسی، در زمینه تهذیب اخلاق و تلطیف عواطف انسانها به اندازه پروین صمیمانه و مادرانه کوشیده است. زن در دیوان پروین، دیگر آن زن مورد نظر شاعران کلاسیک هم

نیست بلکه این زن رکن خانه هستی، پدیدآورنده محبت، زاینده و پرورنده بزرگ مردان، گاهواره جنبان حکیمان و دانامردان، نخستین مربی و آموزگار طبیب و پرستار و نگاهبان خانواده و به روزگار سختی تیمارخوار و پشتیبان مرد است» (جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، ترابی: صص ۲۳۵-۲۳۶) حتی مستشرقان نیز در این باره سخن رانده‌اند؛ چنانکه «میخالوویچ» شرق‌شناس اهل شوروی مینویسد:

«پروین در آثار خود توجه زیادی به وضع زنان و کودکان ایرانی داشت و قسمتی از آثار خود را به آنها اختصاص داد. پروین خوب فهمید که خانواده، هسته مهم اجتماع و زنان نه تنها همسر و زن خانه‌دار بلکه مربی نسل آینده نیز میباشند به همین دلیل مدافع آتشین معرفت و فرهنگ برای زنان بود» (به نقل از: حدیث ناگفته، حائری: ص ۳۷۷).

اما شهربانو صحابی به پروین نگاهی دیگر دارد:

«او [پروین] در حالی که به عنوان زن، همسر و مادر (بالقوه) میدانند که در طول تاریخ بشری جامعه مردسالار و ستمگر چگونه او و فکر او را تحت سیطره خود درآورده از زندگی عادی و روزمره انسان - چه مرد و چه زن - و تکالیف و وظایف او نیز غافل نیست. شعر پروین در جنبه اول فریاد محرومیت تاریخی زن ایرانی است. به نظر او تنها چیزی که تاریخ به زن داده ردپای سیاهی است که او ناخواسته از خود بجای گذاشته است» (صحابی، ۱۳۸۶: ۲۱).

طباطبایی اردکانی در «یادنامه پروین» به کاربرد اشیاء و متعلقات زنانه در شعر پروین اشاره میکند و آن را دلیلی بر زنانه بودن شعر میدانند اما در ادامه سؤالی نیز طرح میکند بر این اساس که:

«عده‌ای بر این باورند که آن قسمت از اشعار پروین که او به نحوی به اشیاء بیجان چون نخ و سوزن، نخود و لوبیا، سیر و پیاز و غیره جان داده و از زبان آنها پیام خود را انتقال میدهد کاملاً جنبه زنانه شعر او را بیان میکند. به این دلیل که همگی از اشیاء و مسائلی هستند که بیشتر زنان با آنها سر و کار دارند اما نباید از زیر بار این یک پرسش شانه خالی کرد که آیا اگر یک زن با ذوق شاعر در مزرعه با بیل و کلنگ و تراکتور و غیره سر و کار داشته باشد و در اشعارش از این وسایل استفاده کند آیا شعرش مردانه است؟ در جواب باید گفت خیر چون باید دانست که چنانکه از این وسایل در شعر خود استفاده نماید قطعاً باز هم احساس و عاطفه زنانه خود را نمیتواند در پشت آنها پنهان کند» (یادمان پروین اعتصامی، طباطبایی اردکانی: صص ۱۳۶-۱۳۷).

هنوز هم برای بسیاری از مردم قابل فهم و درک نیست که واقعاً این اشعار سروده یک زن است، بویژه آن قصاید که روح مردانه بر آنها حاکم است. اما برای اقناع این دسته از افراد باید گفت شاید پروین زنی باشد مانند مادر حسنگ در تاریخ بیهقی «و مادر حسنگ زنی بود سخت جگرآور چون خبر اعدام حسنگ بشنید، جزعی نکرد چنانکه زنان کنند» (تاریخ بیهقی: ص ۲۳۶) که مانند دیگر زنان نباشد بلکه احساس مردانه قوی داشته باشد چنانکه دکتر زرین کوب او را زنی مردانه در قلمرو شعر و عرفان

دانسته (زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ۳۶۳) و امیر اسماعیلی نیز او را زنی که مردانه به مبارزه با زشتیها برخاست معرفی میکند (پروین از زبان دوست او، اسماعیلی: ص ۱۵).

از سوی دیگر نباید از یاد ببریم که زبان‌شناسان اروپایی معتقدند که: «تسلط مردان بر کلیهٔ جهانبینی‌ها چون فرهنگ، تاریخ، سیاست، مذهب و زبان، زنان را در زندانی از حقیقت‌های مردانه به دام انداخته است. مشکل زنان در بیان وجودی خود مشکل فنی زبان آنهاست چراکه ساختار جمله‌های موجود مناسب شخصیت وجودی آنها نیست. زنان باید ساختار را چنان تغییر دهند که بیانگر شکل طبیعی افکار و حالات آنها باشد. البته ویرجینیا وولف نویسنده نام‌آور انگلیسی میگوید: زن برای نوشتن آنچه در ذهن دارد با دشواریهایی روبه‌روست که بدیهی‌ترین آنها ساختار جملات است. جملات موجود را مردان ساخته‌اند و خیلی سنگینتر و پرطمطراقتر از آن است که به کار زنان بیاید. دل اسپندر منتقد معاصر ایتالیایی به همین نتیجه رسید که زبان مقوله‌ای برساختهٔ مردان است و زنان نمیتوانند عقاید و احساسات خود را با زبانی که متناسب با نیازهای مردانه ساخته شده بیان کنند پس باید زبانی خاص خود بیافرینند» (صحابی، ۱۳۸۶: ۲۵).

اما سخن ما با شاعری است در دوره‌ای خاص و با عمری کوتاه. طباطبایی اردکانی درونمایه‌های زنانه در شعر پروین را به سه دسته تقسیم کرده است:

«دربارهٔ مایه‌های زنانه در اشعار پروین و اینکه او در کدامیک از اشعارش روح زنانهٔ خود را منعکس کرده است باید گفت از سه دید میتوان این موضوع را بررسی کرد.

الف: یکدسته از اشعاری که پروین در آنها همچون مادری دلسوزی سخن میگوید مانند شعر «مادر دوراندیش» و «کمان قضا» که مهر مادری را بیان کرده است.

ب: دستهٔ دوم اشعاری که پروین در آنها رفتار شایسته یک زن را در قبال همسرش گوشزد میکند، مانند «فرشتهٔ انس»..

ج: دستهٔ سوم اشعاری که پروین خواهان عدالت و تساوی میان حقوق زنان و مردان است و یا به عبارتی خواستار استقلال شخصیت برای زنان میباشد مثلاً زن در ایران» (طباطبایی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۳۹).

اما ما در این مقاله به ابیات زنانهٔ پروین از دیدگاه گسترده‌تری خواهیم پرداخت؛ اشعاری از پروین که واژه‌های زنانه از قبیل آشپزی مانند مطبخ، طبخ، تنور، دیگ، عدس، پختن، شوربا و... خیاطی، دوزندگی، بافندگی مانند دوک وصله، بافتن، دوختن، تابیدن، نخ، سوزن و...؛ زیورآلات مانند عقد، گوهر، آئینه، گوشواره، دُر، لعل، پارچه‌های قیمتی و گرانبها مانند اطلس، دیبا، حله، استبرق، حریر، پزند، پرنیان، و... و لوازم و وسایل آرایشی مانند غازه، گلگونه، سرمه، مشک، عنبر، شانه، کافور، عود و... در آن منعکس شده است. همهٔ این واژه‌ها مورد توجه و علاقهٔ زنان و دختران هستند که قطعاً بیش از دیگر واژگان در شعر آنها انعکاس مییابد.

لازم به ذکر است که معنی و مفهوم ابیات مورد نظر نیست، بلکه فقط انتخاب واژه‌ها مورد نظر است مثلاً وقتی می‌بینیم که پروین واژه «گوهر (گهر)» را بیش از شصت بار به کار برده یا واژه «آینه» بیش از سی بار مورد استفاده او قرار گرفته است به یاد این مصراع ژاله قائم مقامی می‌افتیم که «جنس زن را صبر از نان هست و از آینه نیست» (نقل از: چشمه روشن، یوسفی: ص ۴۲۹) و میتوان پی برد که سراینده این اشعار قاعدتاً باید زن باشد.

الف. کاربرد واژه‌های مربوط به آشپزی و متعلقات آن

نیک آشکار است که یکی از وظایفی که بر عهده زنان در خانواده قرار گرفته، آشپزی یا همان امور آشپزخانه است و این احتمال که اگر خانمی شاعر باشد، بویژه هنگام کار در آشپزخانه شعری سروده باشد، از واژه‌های دم دست و نزدیک خود استفاده میکند و پروین یکی از این شاعران است که از پخت و پز و لوازم آشپزخانه در شعر خود استفاده کرده است؛ برخی ابیات که نشان‌دهنده این نظریه است عبارتند از:

چه همی همیشه برافروزی و نان بندی	به تنوری که ندیده است کسی نانش (۶۹)
منشین گرسنه کاین هوس خام پختن است	جوشیده سالها و نپخت است این طعام (۷۲)
گهی ز کاسه بیچارگان ببری گیپا	گهی ز سفره در ماندگان ربایی نان (۸۷)
مکن سیاه سر و گوش و دم به تابه و دیگ	سیاهی سر و گوش از سیه‌دلی است نشان (۸۷)
ز ترک‌سازی او مانند بیوه زن ناهار	ز حيله‌سازی تو گشته مطبخی نالان (۸۷)
بی رنج زین پیاله کسی می نم خورد	بی دود زین تنور به کس نان نمی دهند (۱۴۳)

البته غیر از ابیات فوق اشعاری هستند که کاملاً مربوط به آشپزی؛ مانند شعر «بازی زندگی» (ص ۱۲۱) که با این بیت آغاز میشود:

عدسی وقت پختن از ماشی روی پیچید و گفت این چه کسی است
 که مناظره عدس و ماش است. یا شعر «فلسفه» (ص ۱۵۲) که با این بیت آغاز می‌شود:

نخودی گفت لوبیایی را کز چه من گردهم این چنین تو دراز
 که مناظره نخود و لوبیا است. و شعر «نکوهش بیجا» (ص ۱۷۴) با مطلع زیر:

سیر یک روز طعنه زد به پیاز که تو مسکین، چقدر بد بویی
 که مناظره سیر و پیاز است. و همگی مربوط به آشپزی و آشپزخانه است که کاری است زنانه.

ب. کاربرد واژه‌های مربوط به دوزندگی و بافندگی

از دیگر وظایفی که جامعه و خانواده بر دوش خانمها گذاشته، دوزندگی و بافندگی است که هنوز هم در جوامع روستایی و عشایری به چشم می‌خورد. شک نیست که شاعر زن، هنگام بیان احساسات و

عواطف خود از واژه‌هایی که مربوط به این هنرهاست استفاده میکند که پروین نیز در این زمینه بسیار موفق عمل کرده است به این ابیات اگر توجه شود حقیقت آن بیشتر آشکار میگردد.

در دوک عمل ریسمان نگرورد	آن پنبه که همسایه شرار است (۳۴)
درزی شو و بـدوز ز پرهیـز پوششی	کاین جامه جامه‌ای است که خلقان نمی‌شود (۵۷)
تادری بهار برای تو جامه دوخت	بس جامه را گسیختم ای دوست تار و پود (۶۱)
لحاف پیـرزن را پـارگی مانـد	که نتوانست نخ کردن به سوزن (۸۴)
چه می‌بافی پرند و پر نیان در دوک نخریسی	چه می‌خواهی در این تاریک شب زین تیه ظلمانی (۹۷)
پروین چگونه جامه تواند برید و دوخت	آن کس که نخ نکرده به یک عمر سوزنی (۹۹)
دیسه‌هایی کارگاه و دوک و جـولاه بافتن	گنج‌هایی پاسبان و بی‌نگهبان داشتن (۲۶۳)

غیر از ابیات فوق اشعاری هستند که کاملاً مربوط به دوزندگی و بافندگیند؛ مانند «نغمه رفوگر» (ص ۱۱۷)؛ «نشان آزادگی» که مناظره سوزن و پیراهن است (ص ۱۱۸)؛ «اندوه فقر» که مناظره پیرزن و دوک است (ص ۱۴۶)؛ «توانا و ناتوان» که مناظره نخ و سوزن است (ص ۱۷۳) و «رفوی وقت» که مناظره سوزن و رفوگر است (ص ۲۲۵).

ج. کاربرد واژه‌های مربوط به لوازم آرایشی و بهداشتی

لوازم آرایشی و بهداشتی بسیار مورد علاقه خانمهاست و بسیار بعید است که مردی به این لوازم توجه نشان دهد؛ مگر اینکه فروشنده آنها باشد. اگر شاعری از جنس زن باشد، قطعاً خواسته یا ناخواسته این لوازم در شعرش خودنمایی میکند و از این راه میتوان به جنسیت سراینده شعر پی برد. یکی از این شاعران که از این نکته غافل نبوده پروین است که به بهترین شیوه از این لوازم استفاده کرده است.

نیکو نکوست غازه و گلگونه	نبود ضرور چهره زیبارا (۲۸)
هیزم هزار سال اگر سوزد	ندهد شمیم عود و مطرا را (۲۹)
خون خورده و رخساره کرده رنگین	این لعل که اندر حصار کان است (۴۲)
روسی از کم و بیش آنچه کند گرد همه	صرف گلگونه و عطر و زرز و زیور گردد (۵۲)
مشاطه سپهر نیار است روی من	با من مگوی کز چه مرا نیست خواستار (۶۲)
جمله آنان را که چون زالومکندت خون بریز	وندران خون دست و پایی کن خضاب ای رنجبر (۶۳)

د. کاربرد واژه‌های مربوط به زیورآلات زنانه

توجه به زیورآلات از خصائص زنان است و کمتر زنی است که از داشتن زیورآلات اظهار مسرت نکند. بدون شک وقتی در شعری به واژه‌هایی چون عقد، لؤلؤ، گوشواره، گوهر، لعل، ذر، مروارید، مرجان،

یا قوت و خلخال، میرسیم به سختی میتوان ادعا کرد که سراینده آن مرد است و براحتمی میتوان فهمید که ممکن است سراینده آن زن باشد. در شعر پروین این واژه‌ها و نظایر آن بسیار است و این نکته بسیار به ما کمک میکند که به حقیقت شاعری پروین بیشتر پی ببریم.

گرردی چو پاکباز، فلک نبود	برگردن توقع دثر بار (۲۸)
یک گوهر معنی ز کان حکمت	در گوش چو فرخنده گوشوار است (۳۵)
مارا به سرفکند و تو را بر فراشت سر	مارا افشرد گوش و تو را داد گوشوار (۶۱)
تو دگر هر هیچ ننداری ز سلیمانی	اگر این دیو ز دستت برد انگشتر (۶۷)
آن که صرف گهر شد نهد هرگز	سنگ را با در شهر به یک میزان (۸۲)
برای غرق گشتن اندر این دریا نیفتادی	مکن فرصت تبه غواص مروارید و مرجانی (۹۸)
چرا ندوخت قبلی تو در زنی نروروز	چرا به گوش تو از زاله گوشواری نیست (۱۳۳)

ه. کاربرد واژه‌های مربوط به پارچه‌ها و لباسهای گرانبها

داشتن پارچه و لباسهای رنگارنگ و گرانبها آرزوی بسیاری از زنان و دختران هر جامعه، بویژه جامعه شرقی است. پارچه‌های اطلس، دیبا، استبرق، پرنیان، حریر و غیره همه و همه مورد توجه و خواست زنان و دختران است. وقتی به این واژه‌ها در شعر پروین برمیخوریم، این حقیقت بر ما بیشتر آشکار میشود که برخلاف بعضی ادعاها سراینده این اشعار باید یک زن باشد و آن کسی جز پروین نیست.

بر بوریا و دل ق کس ای مسکین	ن فروخت است اطلس و خارارا (۲۹)
به تن پوشید گل استبرق سرخ	به سر بنهاد نرگس افسر زر (۶۴)
نهاده به سر نرگس از زر کلاهی	به بر کرده پیراهن پرنیانی (۹۴)
نقش بام و درم ز سیم و زر است	پرده ام از حریر گلنار است (۱۰۶)
ز جانفشانی و خون خوردن قبیلۀ ماست	پند و دیده گلرنگ هر که رابه تن است (۱۱۶)
ای دریغاً طاقۀ کشمیری ام	برگ و ساز روزگار پیری ام (۱۹۶)
نسیمی دلکشم آهسته بنشانند	مرا بر تن حریر سبز پوشاند (۲۳۰)
ناگواریها مرا برد از میان	تو غنودی در حریر و پرنیان (۲۳۷)

و. کاربرد واژه‌های مربوط به احساسات زنانه

میدانیم که اشک، آه، گریه، زاری، ناله و سوگواری از خصوصیات روحی زنان است یا بهتر بگوییم در زنان جلوه بیشتری دارد. اگر زنی شاعر باشد قطعاً این واژگان که عواطف و احساسات او از قبیل غم و اندوه را بیان میکنند، در شعرش انعکاس وسیع مییابد. در شعر پروین نمونه‌های بسیاری هست که میتوان آن را جلوه‌ای از حقیقت شاعری او دانست.

ز رشوه اسب خریدیم و خانه و ده و باغ
به اشک بپوه زنان حفظ آبرو کردیم (۷۶)

بنفشه سربه سر بگرفت ماتم
جهان را سوگ بگرفت و شباویز
بنات‌النعش خونین کرده رخسار
راز گفتم ولی کسی نشنید
مرا جز اشک و حسرت ژاله ای نیست
این دوا می‌خواستی آن یک پزشک

ز. کاربرد واژه‌های مربوط به امور خانه‌داری

از روزی که خانواده شکل گرفت و تقسیم کار در آن صورت یافت، خانه‌داری و کارهای داخل منزل به خانمها واگذار شد. شستن رختها، پرورش و نگهداری ماکیان، دوشیدن گاوها و گوسفندان همه و همه بر عهده خانمها بود. این وظایف که خواسته یا ناخواسته بر دوش زنان بوده است، در شعر شاعران زن جلوه بیشتری دارد؛ مانند این اشعار پروین اعتصامی:

ریم وسواس به صابون حقایق شو
تو در این نیلپری تشت چو بیندیشی
برای شستشوی جان ز شوخ و ریم آرایش
در رواج کار خود چون من بکوش

نبری فایده زین گازر و اشنانش (۷۰)
چو یکی جامه شوخی و قضا صابون (۸۶)
ز علم و تربیت بهتر چه صابونی چه اشنانی (۹۸)
هر که را پر شیرتر بینی بدوش (۱۸۱)

ح. کاربرد واژه‌های مربوط به احساسات مادرانه

هر چند همچنانکه گفتیم زنان برای بیان مقصود خویش در تنگنا هستند و اکثر واژه‌ها ساخته مردان است، اما هستند واژه‌هایی که به زنان و به‌ویژه احساسات مادران نزدیک‌ترند یا بسامد آنها نشان‌دهنده آن است که این واژه‌ها بیشتر مورد استفاده شاعران زن قرار گرفته است؛ واژه‌هایی که علاوه بر احساس و عاطفه، شغل و هنر زنانه و یا مادرانه را نشان می‌دهد مانند:

به گاهوار تو افعی نهفت دایه دهر
این بسست مهر دایه در این گاهوار تنگ
شیرخواری که سپردند بدین دایه
گهی پدر شد و گه مادر و گهی دربان
به وقت شیر ز شیرم گرفت دایه دهر
نشاندی شاد چون طفلان به مه‌دم
فرزند ز مادر است خرسند
خون ریخت به کام کودکی چند

میرهن است که بیزار از این پرستاری است ۴۴
از بهر راحت تو مراداده بس فشار ۶۱
شیر یک قطره نخورده است ز پستانش ۶۹
طعام داد و نوازش نمود و ناله شنید ۱۴۴
نه با پدر نفسی زیستم نه با مادر ۱۵۱
زمانی شیر دادی گاه شه‌دم ۲۲۹
بیگانه کجا و مهر مادر ۲۷۰
بر چید بساط مادری را ۲۷۲

بررسی چند شعر با درونمایه زنانه

تا بدینجا، ابیاتی از میان اشعار پروین انتخاب شده بود که در آن ابیات واژه‌هایی مربوط به وظایف، احساس، عاطفه، حیطة کاری، جلوه‌های زندگی، علایق و سلیقه‌های زنانه وجود داشت و بنوعی زنانه‌بودن اشعار پروین را به اثبات میرساند. در این قسمت اشعاری را بررسی خواهیم کرد که به طور کامل زنانه یا مادرانه هستند تا به حقیقت شاعری پروین بیشتر ایمان بیاوریم و به نوعی پاسخی داده باشیم به کسانی که این اشعار را مردانه میدانستند و وجود شاعر زنی به نام «پروین اعتصامی» را انکار میکردند.

در دیوان پروین حدود چهل و پنج شعر وجود دارد که میتوان آنها را اشعار زنانه پروین به حساب آورد. با نگاهی به فهرست عناوین دیوان پروین و انتخاب و مطالعه اشعار «طفل یتیم، سفر اشک، تیره‌بخت، حدیث مهر، سیه‌روی، توانا و ناتوان، نکوهش بیجا، اشک یتیم، صائقه ما ستم اغنیاست، کمان قضا، نغمه رفوگر، گل سرخ، عمر گل، آرزوی پرواز، نشان آزادگی، مادر دوراندیش، بازی زندگی، بی پدر، آیین آینه، کرباس و الماس، گوهر و سنگ، لطف حق، رفوی وقت، رنج نخست، غبار فکر، شکایت پیرزن، گنج ایمن، قلب مجروح، تهیدست، دو محضر، آرزوی مادر، عهد خونین، گوهر اشک، فلسفه، نغمه خوشه‌چین، شاهد و شمع، فرشته انس، تعزیت پدر، کودک آزمند، ای گربه، نغمه صبح، نهال آرزو، زن در ایران و...» درمیابیم که بسیاری از این اشعار، زنانه و بسیاری دیگر مادرانه و سرشار از احساسات و عواطف پاک مادر است. برای روشن تر شدن حقیقت این امر نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم.

- شعر «حدیث مهر»:

با مطلع:

گنجشک خرد گفت سحر با کبوتری کاخر تو هم برون کن از این آشیان سری
جای هیچ شگی نیست که این شعر از زبان یک مادر است؛ مادری که همه امید و آرزویش سعادت
فرزندانش است و از اشعار اخلاقی و اجتماعی پروین به حساب می‌آید. وقتی شاعر لب به سخن
میگشاید، سخنش همه پند و نصیحت مادرانه است؛ «روزی تو هم شوی چو من ای دوست مادری» و
آن روز است که جهان راه رسم مهربانی به تو می‌آموزد. وقتی که فرزندان دور و بر مادر را میگیرند او
غیر از مادری کار دیگری ندارد.

گرد تو چون که پُر شود از کودکان خرد جز کار مادران نکنی کار دیگری
و این را برای خود نهایت خوشبختی میداند «خوشبخت طائری که نگهبان مرغکی است» و جالب
این است که زحمت مادر بودن را شیرینترین وظیفه میداند:
شیرین نشد چو زحمت مادر وظیفه‌ای فرخنده تر ندیدم از این هیچ دفتری

در شرح این شعر آمده است: «بهترین عشقها و بالاترین آنها در این قطعه طرح شده است؛ یعنی عشق مادر، مقدس‌ترین عشق. پروین اگرچه مادر نیست اما زن است، زنی که قلبش برای داشتن فرزندی میتپد و مهر مادری با وجود او در هم آمیخته و سرشته شده است. وقتی پروین سخن از عشق میگوید حقیقتی است که در دل او جای داد و او از حقیقت سخن میگوید» (جاودانه پروین ستاره آسمان ادب ایران، شریعت: ص ۱۲۰).

این شعر سرشار از احساس و عاطفه، بدون شک یکی از شاهکارهای پروین در بیان عطوفت پاک مادرانه است که فقط میتواند از ذهن یک مادر یا یک زن تراوش کند و بس. این احساس مادرانگی را ملک الشعرا بهار نیز در مقدمه خود بر دیوان پروین چنین بیان میکند:

«خانم پروین در مثنویات خود مهر مادری و لطافت روح خویش را از زبان طیور، از زبان مادران فقیر، از زبان بیچارگان بیان میکند. گاه مادری دلسوز و غمگسار است ولی بیشتر خود است که به صد هزار جلوه بیرون آمده و سزاوار است با صد هزار دیده آن را تماشا کنند.» (دیوان پروین اعتصامی: مقدمه)

- شعر «تیره بخت»:

با مطلع:

دختری خرد، شکایت سرکرد
که مرا حادثه بی مادر کرد
این شعر که در قالب قصیده سروده شده به مسائل اخلاقی و اجتماعی پرداخته و سرشار از احساس و عاطفه دختری یتیم است که پدرش زن دیگری اختیار کرده، و علاوه بر از دست دادن مادر، دختر بیچاره باید با ناسازگاریهای نامادریش نیز بسازد. بیان این همه احساس و عاطفه دخترانه فقط میتواند از ذهن و دهان یک شاعر زن برآید و گرنه هیچ مردی قادر نخواهد بود که این همه احساس پاک دخترانه را در قالب کلمات و جملات یا همان ابیات بیان کند. این شعر با واژه «دختری خرد» آغاز میشود که حسن مطلع آن یا به قولی براعت استهلال آن بسیار زیباست. در ابیات دیگر به واژه‌های یاره، طوق زر، گلوبند طلا، انگشتر، زرو زیور و گهر، میرسیم که مورد علاقه دختران و زنان است و بندرت هستند مردانی که هوش و حواسشان جمع باشد که بتوانند همه اینها را در شعر حتی اگر در توصیف دختر باشد، بیاورند.

- شعر «زن در ایران»:

با مطلع:

زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی نبود
پیشه‌اش، جز تیره‌روزی و پیریشانی نبود
این شعر در کنار دو شعر دیگر یعنی «فرشته انس» و «لطف حق»، از معروفترین و مشهورترین اشعار پروین در رابطه با زن، حق و حقوق، احساس و عاطفه و وظیفه اوست که میتوان آن را سیاسی-اجتماعی دانست. پروین این شعر را به مناسبت فرمان کشف حجاب سروده است؛ زیرا این برهه از زمان را سر آغاز فصلی تازه در حیات زن ایرانی میدانند و به نقل از دوست صمیمی پروین، یعنی خانم

مهکامه محمص، پروین مثل همه افراد روشنفکر از رفع حجاب زنان اظهار خرسندی می‌کرد (حدیث ناگفته، حائری: ص ۳۶۱).

شهربانو کراچی نیز دربارهٔ وجههٔ سیاسی اشعار پروین مینویسد:

«در تاریخ زنانهٔ شعر فارسی پروین تنها نیست که زیباترین اشعار سیاسی - انتقادی را با نگرشی زنانه سروده و از جهت کمیت و کیفیت چنین اشعاری با هیچکدام از زنان شاعر همانند نیست. با بررسی تذکره‌ها بسادگی میتوان به این نتیجه رسید که از آغاز شعر فارسی تاکنون هیچ زن شاعری به اندازهٔ پروین اعتصامی به مسائل سیاسی - اجتماعی جامعه‌اش توجه نکرده و چندان حساسیتی به رویدادهای محیطش نداشته است» (پروین، اعتصامی، کراچی: ص ۳۳).

و محمدجواد شریعت نیز در شرح شعر «زن در ایران» مینویسد:

«اگر بخواهیم همهٔ مقالاتی را که دربارهٔ زن ایرانی و رهایی از اسارت او گفته شده است خلاصه کنیم باید همین شعر پروین را بجای آنها بیاوریم. فی الواقع عصارهٔ افکار پروین در مورد همجنسان خود در این شعر جاودانی او آمده است و سزاوار است که زن ایرانی همین شعر را باعث افتخار و مباهات خود بداند» (حدیث ناگفته، شریعت: ص ۲۳۵).

جالب است بدانیم که این شعر پروین، زندگی زن ایرانی را به دو مقطع متفاوت تقسیم کرده است؛ یعنی در حقیقت این تاریخ مبدأ تحول زندگی زنان ایران است. زمانیکه قبل از آن زن را جزئی از جمعیت کشور بحساب نمی‌آوردند و مانند یک زندانی با او رفتار میشد و در هر محکمه‌ای محکوم بود و حق آموزش و پرورش نداشت و خلاصه اینکه زندگی برای زن ایرانی نبود و همین باعث شد که این فرمان رضاشاه، زن خفتهٔ ایران را کند و با حق و حقوقشان آشنا سازد. این فرمان زمانی بیشتر پروین را خشنود ساخت که او قبل از این در جشن فارغ‌التحصیلی خود از مدرسهٔ امریکایی شعری با همین مضامین سرود و خطابهٔ مهم خود با نام «زن و تاریخ» را در همین مضمون ایراد کرد.

- شعر «نهال آرزو»:

پروین در خردادماه ۱۳۰۳ از مدرسه انائیهٔ امریکایی تهران فارغ‌التحصیل شد. در آن هنگام قطعهٔ «نهال آرزو» را با مطلع زیر ذیل برای جشن فارغ‌التحصیلی کلاس خود سرود:

ای نهال آرزو، خوش‌زی که بارآورده‌ای
 غنچه‌بی بادصبا، گل‌بی بهار آورده‌ای
 این شعر، حدود ده سال قبل از شعر «زن در ایران» سروده شده است. هر چند شعر در هیچ یک از قالبهای سنتی شعر فارسی نمیگنجد، اما میتوان این شعر را خواست عمومی و آغاز حرکت اجتماعی زنان ایرانی برای باسواد شدن و آگاهی از حق و حقوق خود دانست. شاعر ابتدا خود و همکلاسیهایش را خطاب قرار داده و از «نهال آرزو» به عنوان نماد دختر ایرانی استفاده کرده و موفقیت خود را مرهون آموزگار و تحصیل میداند. سپس از دختران میخواهد که فرصت را غنیمت بدانند و سعی و تلاش کنند، زیرا عامل عقب‌ماندگی زنان ایرانی بیسوادی است و ملاک برتری زن و

مرد «دانستن». پروین، از اینکه در جامعه‌اش پسر را هوشیار و دختر را کودن میدانند، بسیار غمگین است و از دختران می‌خواهد که با علم آموختن بر این اندیشه خط بطلان بکشند. او به عنوان نمونه، عامل ترقی زنان در کشورهای دیگر را تحصیل میدانند و سرانجام این پیام بسیار مهم را به همه، چه زن و چه مرد، چه دختر و چه پسر، می‌دهد که:

دامن مادر نخست آموزگار کودک است طفل دانشور کجا پرورده نادان مادری
پروین با این بیت می‌گوید اگر خواهان پیشرفت و ترقی هستیم باید دختران که مادران فردای بچه‌ها هستند، با سواد باشند تا فرزندان با سواد تربیت کنند. او بر این باور است با اینکه از کشورهای دیگر عقب‌مانده‌تریم اما اگر به دنبال علم و دانش برویم میتوانیم کرات آسمانی را فتح کنیم.

- شعر «تهیدست»:

با مطلع:

دختری خرد به مهمانی رفت در صف دخترکی چنبد، خزید
این شعر که مسائل اخلاقی و اجتماعی را بیان میکند شرح حال دختر بیچاره‌ای است که به جمع دختران وارد میشود اما با دیدن او دیگران ناراحت شده، درصدد طرد او هستند و او را به سبب لباس و موی ژولیده مورد تمسخر قرار میدهند. دختر همه این سخنان را که پنهانی است میشنود و غم خود را از روزگار میداند.

چه شکایت کنم از طعنه خلق به من ازدهر رسید آنچه رسید
این دختر خود را معرفی میکند که مادرش را از دست داده است و پروین در حقیقت جز بیان درد یتیمان و بیچارگان چیزی نمی‌گوید. اگر به تک‌تک ابیات این شعر نگاهی افکنیم، وجود واژه‌های شانه، دوک، یاره، جامه، گهر، مادر، بوسه و ... همه و همه نشان از این است که سراینده این شعر یک زن است. حتی آنجا که شرح حال دختر را می‌گوید باز خود بهترین گواه بر زنانه بودن شعر است. علی‌اکبر ترابی، درباره مضمون یتیم‌پروری در شعر پروین چنین مینویسد:

«سعدی در توجه به درد دل یتیمان از اغلب شاعران شعر فارسی ممتاز است ولی نه سعدی و نه هیچ شاعر کلاسیک دیگر حال زار یتیمان و انسانهای محروم را به شیوایی و رسایی پروین مطرح نکرده و آنچنان تکان‌دهنده به تصویر نکشیده است. شاید یکی از علل این امر گذشته از تربیت خانوادگی و اجتماعی، طبیعت مادری یا زن بودن شاعر باشد. دیوان پروین بویژه مباحث اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی آن از پروین شاعری انساندوست و دلسوز که همانند مادری مهربان در بند سعادت حال و آینده فرزندان است، ارائه می‌دهد. شاعر و مادری که از واقعیت‌های تلخ اجتماعی و دردهای عمیق و جراحات کهنه جامعه به زیبایی سخن می‌گوید.» (جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، ترابی: ص ۲۴۱).

با نگاهی عمیق‌تر به اشعار پروین - که به برخی از آنها اشاره کردیم- این حقیقت را به اثبات میرساند که سراینده آنها نمیتواند یک مرد باشد اگر این ضرب‌المثل را بپذیریم که «از کوزه همان برون تراود

که در اوست» آنچه در این ابیات و اشعار خود را نشان می‌دهد به نوعی جلوه‌های زنانه است که چون در اندیشه شاعر بوده، در شعرش انعکاس یافته است.

شاید مردان شاعری باشند که بتوان در بعضی از اشعار آنها رگه‌های زنانه و احساسی یافت، اما وقتی بسامد این واژه‌ها را بررسی میکنیم، خواهیم پذیرفت که سراینده این اشعار نمیتواند یک مرد باشد. همچنین خطابه «زن و تاریخ» (رک: حدیث ناگفته، حائری: صص ۲۷۹-۲۸۱)، در حقیقت مکمل اشعار اوست. این خطابه را باید مقدمه شعر «زن در ایران» او دانست که به نوعی در هم گره خورده و اندیشه یک زن روشنفکر و تحصیل کرده را نشان میدهد. با اینکه پروین هرگز مادر نبود اما اندیشه پاک مادرانه در شعرهای احساسی و عاطفی او انعکاسی از جنسیت اوست که در بسیار از اشعار خودنمایی میکند. این احساس و عاطفه کمتر شادی و بیشتر غم و اندوه زنان و مادران جامعه را به تصویر میکشد؛ آن هم زنان بیوه و مادران غالباً بدون یار و یاور را.

نتیجه‌گیری

با انتشار اشعار، مقاله و خطابه پروین در مجلات، سیل اظهار نظرها، چه موافق و چه مخالف جاری شد. هرکس با هر زبانی و قلمی که داشت نکته‌ای و ناگفته‌ای را بیان میکرد و مقاله‌ها مینوشت و بیانیته‌ها میداد و برخی نیز بدین راضی نشده و در این باره کتابها نوشتند و هنوز هم خواهند نوشت. افراد مختلف، دانسته یا نادانسته با نوشتن بیانیته‌ها، مقالات و کتابها درصدد برآمده بودند تا حقیقت شاعری پروین اعتصامی را کتمان کنند یا حداقل به وجهه شاعری او خدشه وارد سازند و برای رسیدن به هدف و مقصود خویش، اشعار پروین را به افراد دیگری همچون رونق کرمانی، حیاتی، اعتصام‌الملک و دهخدا نسبت دادند. در پاسخ به این ادعا باید گفت که تعدادی از بزرگان عصر، خود از نزدیک پروین را دیده و با آن نشست و برخاست داشته‌اند و قطعاً در زمینه شاعری او را آزموده بوده‌اند.

همچنین روشن است که شعر پروین نمیتواند متعلق به شاعری به نام «حیاتی» مربوط به دوره قاجار باشد، چراکه بسیاری از اشعار او مانند «زن در ایران»، خاص دوران پهلوی است. از سوی دیگر آشکار است که اعتصام‌الملک، پدر پروین، اصلاً شاعر نبوده که بخواهد شعرش را به نام دخترش به چاپ برساند. همچنین بررسی شعر و اندیشه دهخدا نشان میدهد که نگاه دهخدا به شعر با نگاه پروین تفاوت دارد. پروین یک زن است و از واژه‌ها و مفاهیم زنانه بسیار استفاده کرده و دهخدا غالباً به مسائل سیاسی پرداخته و لحن شعر او مردانه است.

با بررسی کامل دیوان پروین و تبیین مفاهیم و اصطلاحات زنانه در شعر او، میتوان بخوبی نشان داد که هیچ شاعر مردی، حتی آنها که به زیبایی هر چه تمامتر به توصیف زن پرداخته‌اند، نتوانسته‌اند از این همه واژه‌های زنانه مربوط به خیاطی، دوزندگی، بافندگی، آشپزی و لباس و زیورآلات زنانه استفاده کنند و این خود یکی از دلایل و مستندات محکم در رد ادعاهای مخالفان است.

بررسی بسیاری از اشعار پروین - همچون «طفل یتیم، سفر اشک، تیره‌بخت، حدیث مهر، سیه‌روی، توانا و ناتوان، نکوهش بیجا، اشک یتیم» و... - این حقیقت را بر خواننده آشکار میکند که روح زنانه و مادرانه در این‌گونه اشعار موج میزند و قطعاً سراینده چنین اشعاری یک زن است و کسی نیست جز پروین اعتصامی. همچنین بسیاری از اشعار و خطابه با عنوان «زن و تاریخ» نشان میدهد که سراینده و گوینده زنی است که بشدت مدافع حقوق زنان است و این خود چیزی نیست جز بازتاب سراینده و گوینده آن.

هر چند باید گفت در شعر پروین آنچه مطرح است انسانیت است و نه جنسیت و بسیاری از اشعار پروین مانند قصاید او جنسیت را نشان نمیدهد؛ اما بسیاری از این اشعار به نوعی دارای مفاهیم و درونمایه‌های زنانه هستند که بررسی و شناخت آنها میتواند حقیقت شاعری او را اثبات کند. با مطالعه دقیق و بررسی دیوان شعری پروین میتوان پی برد که روح زنانه در شعر او بویژه در مثنویهایش موج میزند و پروین در حقیقت این توانمندی را از خود نشان داده است که بتواند روح زنانه خودش را در شعرش منعکس کند؛ برای مثال مضامین مشترکی مانند «لطف حق» و «مادر موسی» که در دیوان پروین و مثنوی مولانا آمده، وقتی مورد دقت قرار گیرد میتوان به یقین حکم کرد که کدام شعر سروده مرد و کدام شعر سروده زن بوده است و این خود گامی بزرگ در جهت شناخت پروین به عنوان سراینده اشعار و پاسخی محکم به منتقدان اوست.

وقتی از زوایای دیگر شعر پروین را با دیگر شاعران زن چه قبل از او مانند رابعه بلخی، جهان خاتون، قره‌العین و چه بعد از او مانند فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی و... مقایسه میکنیم، تفاوت دیدگاه آنها حتی درباره جنسیت خویش آشکار میشود. شعر زنان شاعر دیگر غالباً مربوط به زندگی خصوصی و عشق و عاشقی آنهاست و حول محور «من» فردی است؛ یعنی شاعر، تجربه شخصی و احساس و عواطف فردی خویش را در قالب شعر بیان کرده است اما در شعر پروین از «من» فردی بندرت سخن به میان آمده است. آنچه هست «من» اجتماعی است و این چیزی نیست جز بازتاب اندیشه و حوادث روزگار در شعر. باید این حقیقت را پذیرفت که روزگار پروین، با روزگار دیگر شاعران قابل قیاس نیست و هر شاعری باید فرزند روزگار خود باشد. این نکته نه تنها درباره پروین بلکه در شعر همه شاعران عصر مشروطه به بعد صادق است که شاعران پی برده‌اند که شعر فردی به درد فرد میخورد و شعر اجتماعی به درد اجتماع.

منابع و مأخذ

۱. با کاروان حله. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۴). تهران: نشر علمی، چاپ چهاردهم.
۲. «پروین از زبان دوست او». اسماعیلی، امیر (۱۳۵۷). مجله تلاش، سال ۱۳، شماره ۸۰، خرداد ماه.

۳. «پروین از زبان دوست او». محمص، مهکامه (۱۳۵۷). مجله تلاش، سال ۱۳، شماره ۸۰، خرداد ماه.
۴. پروین اعتصامی. کراچی، روح‌انگیز (۱۳۸۳). تهران: انتشارات دادسرا.
۵. تاریخ بیهقی. بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۵). به کوشش دکتر خطیب‌رهبر، تهران: انتشارات مهتاب، چاپ دهم.
۶. تهمت شاعری. گرگانی، فضل‌الله (۱۳۵۶). تهران: انتشارات زوار.
۷. جامعه‌شناسی ادبیات فارسی. ترابی، علی‌اکبر (۱۳۸۵). تهران: انتشارات فروزش، چاپ پنجم.
۸. جاودانه پروین ستاره آسمان ادب ایران. شریعت، محمد جواد (۱۳۵۶). اصفهان: انتشارات مشعل، چاپ اول.
۹. چشمه روشن، یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۷). تهران: انتشارات علمی، چاپ هفتم.
۱۰. حدیث ناگفته. حائری، سیدهادی (۱۳۷۵). دو جلد، تهران: انتشارات حدیث، چاپ اول.
۱۱. در مدرسه پروین اعتصامی. حکیمی، محمود (۱۳۸۵). تهران: انتشارات قلم.
۱۲. دیوان. اعتصامی، پروین (۱۳۶۲). به کوشش منوچهر مظفریان، تهران: انتشارات علمی.
۱۳. سیمای زن در آئینه شعر. فیاضی، غلامرضا (۱۳۷۸). تهران: انتشارات مدبر، چاپ اول.
۱۴. «کوتاه از یک زندگی کوتاه‌تر». صحابی، شهربانو (۱۳۸۶). تهران: مجله پروین. شماره ۱، فروردین ماه.
۱۵. یادمان پروین اعتصامی. طباطبایی اردکانی، سیدمحمود (۱۳۷۶). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. یادنامه پروین اعتصامی. دهباشی، علی (۱۳۷۰). تهران: نشر دنیای مادر، چاپ اول.